

# انسان امروز

## همه چیز خود را به ماشین

### بخشیده است

خلقت چنین میکرده است، میساخته، می پرستیده و سپس میشکسته و بازبازی را از سر می گرفته و چه سازگار است پرستش مصنوع، هم با جوامع بدوی و ابتدائی و هم با جامعه های صنعتی و علمی! و این خود می رساند که «دانشمند» شدن بجز «آدم» شدن است و امکان دارد همان «جاهلیتی» که در پیشینیان وجود داشت، در متن جوامع صنعتی امروز نیز حکومت کند.

دلیل این مدها اینست که در زمان مادر کشورهای صنعتی بر عده دانشمندان هر سال ۷۰٪ اضافه میشود و باین ترتیب در هر ده سال عده دانشمندان به دو برابر میرسد و میتوان از هم اکنون پیش بینی کرد که

انسان بسرعتی شگرف دارد خود را «خلع قوا» میکند و تمام نیروی خود را دانسته و ندانسته به ماشین منتقل مینماید، او اکنون میخواهد از نیروی اراده خود کمک بگیرد و با مرکب مبارزه بر خیزد و لسی در کمال یأس میلهمد ازاده خود را هم منتقل کرده و نیروی خلاقیت و آفرینندگی را در خویشتن، کشته است و ای داد از آن هنگام که انسان احساس کند دیگر آفریننده و خلاق نیست! .... این همان حالتی است که بر آن نام مرکب نهاده اند و انسان فنی آنرا پدید آورده است.

تسلیم شدن آدمی بآنچه خود ساخته و سرفروید آوردن به آن در حد پرستش، نازگی ندارد، از اول

در پایان قرن بیستم قریب به ۷۰٪ از ساکنین کشورهای توسعه یافته و صنعتی را دانشمندان و کارشناسان علمی و فنی تشکیل دهند ، قدرت انضاج نیروهای تخریبی از باروت تا بمب هیدروژنی متجاوز از ده میلیون بار افزایش یافته است .

اینها نمونه‌های کوچکی از موفقیت‌های انسان در زمینه پیشرفتهای علمی بوده است .

ولی این درخشش عظیم علمی و فنی همانقدر که بكمك وسایل ارتباطی و دقائق بهت آور علمی و تکنولوژی دنیارا بهم نزد بکتر کرده و همان اندازه که انسان را در بر خورد با ماده و نفوذ در آن مسلط تر و قدرتمندتر نموده است ، از خویشتر خویش و از

سرنوشت خود و از جستجوی ایجاد يك رابطه ضروری بین خود و نتیجه اینهمه پیشرفتهای علمی ، بازداشته است . انسان امروز این قدرت را بدست آورده است که ماده را در اشکال و صور مختلف در استخدام خود در آورد و بخواهد بكمك آن خود را به اعماق جهان بی نهایت کوچک و بی نهایت بزرگ برساند ، ولی چنین مینماید که قدرت مهار کردن نیروی مهیب علمی و فنی را بدست نیاورده است .

انسان امروز مسحور و مجذوب سلطه‌ی علمی بر ماده خود بتدریج بصورت یکی از این سواد در منظومه عظیم پیشرفتهای فنی بدون اراده و اختیار ، بگردش در آمده و کم کم همین قدرت دستگاه‌های سنگینده و حساب شده الکترونی دارد ، و سرنوشت ، نظام دوستی ، محبت ، روابط احساسی و عاطفی و سلوک و رفتار اجتماعی او را تنظیم میکند آیا واقماً باید چنین باشد که اراده و تصمیم و عمل انسان بدست

ماشینهای الکترونی و مغزهای فلزی یافتند ؟

حقیقت اینست انسانی ، که از دیر باز سرنوشت خویش را در کف با کفایت خداوند آفریننده نهاده بود و به لطف و عنایت بی کرانش دل بسته بود و به امید آخرت و زندگی جاوید هر دلپره و اضطرابی را در این جهان از خود دور ساخته بود ، امروز بکلی تغییر ماهیت داده و آنچه از قدرت و توان خود را که بخداوند خویش صبیحانه انتقال داده بود ، با کمال جسارت و وقاحت پس گرفته و همه را بکسره به بعضی خدمت پرورده خود منتقل کرده است .

آرزو که انسان اراده خود را با اراده‌ی خدای بزرگ

در هم آمیخت ، خداوند رؤوف که منبع خیر

و بزرگ است ، برای تجلی اراده بشر مانع و رادعی

ایجاد نمیکرد چهره خود صاحب اراده بود . . . اما این

معبود جدید در هیچ مورد به اراده امکان تجلی نمیدهد

و چون خود موجودی بی اراده است و کور کوران به

پیش می رود و انسان را بدینال میکشد . و انگهی فرمانبری

اطاعت از خداوند گار نامرئی نه فقط بایش بخش بود ،

بلکه زیاد دل انگیز مینمود و حاصلش آرامش ، برادری ،

قناعت و ایثار بود و قرنها آسودگی نصیب بشر کرد

و زیباترین جلوه اندیشه آدمی را پدید آورد اما

فرمانبری و اطاعت ازین ست که فاقد هر نوع احساس

استواری و هجرت ه پندارد لطیف را تدبیره نمیکند ارد

و بجای نمه‌های عاشقانه ، نفس درد آلود و مسوم

کننده اش چشم و گوش را آزار میدهد ، فقط جلوه‌ای

از کمال و زیبایی عرضه نمیدارد ، بلکه بکسره نیرگی

و ضلالت است و سقوط بی آدم را با فساوت اعلام میدارد

و حاصل پرستش او تا امروز جز جنگ و افزون طلبی

و غرق شدن در سودای سود و سرمایه ، چیز دیگری نبوده

است و عجب اینکه در وی ، بنهمه بنما گری و قتل و غارت

و حرص و طمع اما بی شربین کشیده اند و با حلیه گری ،

یک مشت حلقو سرمایه باخته را چنان غارت میکنند که

روی آتیملا و چنگیز و تیمور واسکنند را

سپید کرده اند !

انسان بی با فنی عوالم منفایك نمی دارد معبود

نویش زار در همه جا ، حاضر و ناظر نماید همین مناسبت

در اقصی نقاط عالم . ماشین را حضور داده و در استقرار

و پرستش آن سعی بلع میکند اوی پس از آفریدن

خدای بی احساس و فاقد اراده و انکار خداوند رؤوف

و صاحب اراده ، در حقیقت خود را نفی کرد و نیرو

آفرینندگی را در خود کشت و دیگر نمیتواند راه

بجز راه انحنای خداوند گار خود طی کند !

\*\*\*

حال جای این سؤال باقی است ، آیا انسانی که نیرو

چشم و دست و پا و مغز واراده خود را به مصنوع خو

تفویض کرده ، میتواند اراده آزاد و مستقل داشته باشد

پاسخ این سؤال منفی است ولی برای صحت این

نفی توضیحی لازم است که در شماره آینده آنرا

می خوانید .

### يك خبر از اصفهان

«خبر از اصفهان گزارش رسیده است که یکی از مؤسسات دارونی که

بخش تولید داروهای «اورگانون» را در ایران بهمه دارد ، میادرت به

چاپ و توزیع اوراق تبلیغاتی در میان پزشکان نموده که طی آن پرستشهای مختلفی

از پزشکان شده ، ضمن پرستش از منعب پزشك پس از ذکر مذاهب رسمی کشور ،

مسلک باطل بهائیت را نیز ذکر کرده است .

به محض انتشار اوراق مزبور ، در اصفهان نماینده مؤسسه مزبور ، در آن شهر

آقای دکتر کیمیائی (یکی از پزشکان محترم اصفهان) از نمایندگی این داروها استعفا

نموده و حاضر به ادامه همکاری نشده است

پزشکان اصفهان نیز پس از آگاهی از این موضوع ، متفقا داروهای

«اورگانون» را تحریم کرده و از تجویز آن برای بیماران خود داری نموده اند .»